

انتصاب رئیسی و عروج جنبش سرنگونی

حمید تقوایی

مندرج در انترناسیونال ۹۲۶

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین
شده است

خلیل کیوان: با اعلام پیروزی رئیسی کسی که به عنوان قاتل هزاران زندانی سیاسی شناخته می شود وضعیت رژیم، جناح های آن، رابطه رژیم با غرب، موقعیت جنبش سرنگونی و کلا چشم انداز تحولات چه خواهد بود؟ در این مصاحبه به این پرسشها می پردازیم.

حمید تقوایی! همانطور که انتظار می رفت خامنه ای ابراهیم رئیسی را از صندوق انتخابات بیرون کشید. هدف رژیم از روی کار آوردن یک قاتل و آدمکش که با تحریم های حقوق بشری روبروست چیست؟ آیا این نشانه قدرت رژیم است یا ضعف آن؟

حمید تقوایی: ظاهر قضیه این است که جناح خامنه ای میخواهد با مشت آهنین در برابر مردم بایستد و این پیام را به مردم بدهد که با جلادی که در صدور حکم اعدام و کشتار مردم ید طولائی دارد طرف هستید. ولی بر خلاف این ظاهر، ریاست جمهوری چنین فردی تماما ناشی از ضعف و به هم ریختگی صفوف خود حکومت است. به نظر من نفس اینکه حکومت مجبور میشود چنین شخصی را که میداند پرونده قطوری در

جنایت دارد و رسوای خاص و عام است، میداند توده مردم، حتی بخش هائی که تا کنون وضعیت را تحمل میکردند، فریاد اعتراضشان بلند خواهند شد، میداند در غرب این فرد به عنوان عامل مستقیم اعدامهای جمعی شناخته میشود و کاملاً رسوا است، ولی با این همه چنین شخصی را رئیس جمهور میکند به این خاطر است که محور حکومت، یعنی خامنه ای و جناحش، حتی کوچکترین زاویه ای با خودشان در میان خودی ترین خودهای حکومتی را هم نمیتواند تحمل کند. میدانند که از همین منفذ کل حکومت شکاف و ترک های اساسی برخواهد داشت و فرو خواهد ریخت. این را در دوره های گذشته تجربه کرده اند. در واقع انتصاب رئیسی از سر ناچاری و استیصال و تلاش برای ممانعت از حتی کوچکترین غر زدنهای داخلی حکومت است که میتواند به فریاد سرنگونی در خیابانها منجر بشود و موجودیت کل نظام را تهدید کند. این آخرین تلاشهای یک حکومت رو به سقوط است.

رژیم در حال حاضر کاملاً به هم ریخته و متزلزل است، دعواها و کشمکشهای داخلی اش شدت پیدا کرده و

دیگر حتی بحث بر سر استحاله و اصلاح نیست. عده ای از خود مقامات سابق و اسبق حکومت اعتراف میکنند این حکومت رفتنی است و باید فکری بحال خودشان بکنند و صریحا علیه خامنه ای صحبت میکنند. این شرایط است که باعث شده حکومت، مهره ای مثل رئیسی را بعنوان رئیس جمهوری انتخاب کند.

خلیل کیوان: مردم با نه بزرگی که در این انتخابات به حکومت گفتند تکلیفش را روشن کردند. در این انتخابات به نوعی شاهد مراسم تدفین اصلاح طلبی هم بودیم. اصلاح طلبی که از سال ۹۶ و با شعار اصولگرا، اصلاح طلب دیگه تمومه ماجرا زیر ضرب قرار گرفته بود با این انتخابات دود شد. بازی بد و بدتر هم تمام شد. هر سه قوه اکنون در دست جناح اصولگراست. وضعیت جناح ها چه میشود؟ آیا رژیم حول خط خامنه ای یکپارچه و یکدست میشود؟

حمید تقوایی: به نظر من با رئیس جمهوری رئیسی حکومت متحد و یکپارچه نمی شود، به هم ریخته تر میشود. کما اینکه در انتخاباتهای گذشته هم با وجود

اینکه افراد برگزیده خامنه ای و جناح اصولگرا، کسانی مثل احمدی نژاد، رئیس جمهور شدند دعواهای درونی حکومت نه تنها کاهش پیدا نکرد بلکه شدیدتر هم شد. مشخصا در دوره احمدی نژاد بالاترین اصطکاکها بین او و خامنه ای پیش آمد که تا امروز ادامه دارد و شدیدتر هم شده است. امروز احمدی نژاد میگوید این حکومت رفتنی است و اعلام میکند این انتخابات در واقع رفراندوم نه به جمهوری اسلامی بود. ایشان کسی است که زمانی نظر کرده خامنه ای بود و در آن طوفان و اعتراضاتی که در ۸۸ شاهد بودیم با معماری و حمایت بی دریغ خامنه ای به جامعه تحمیلش کردند. این بار وضعیت رژیم حتی بدتر است. اکنون جناحی از حکومت به این نتیجه رسیده که با سیاستهای خامنه ای کل حکومتشان سقوط میکند و قدرت و ثروت شان بر باد میرود. احمدی نژاد دقیقا همین را مدام هشدار میدهد و بر این هشدارها افزوده خواهد شد. مخالفین درون حکومتی رئیسی و رقبای خط اصولگرا گرچه موقعیتشان در ساختار حکومت بشدت تضعیف شده ولی ساکت نخواهند نشست. مساله آنها حفظ موقعیت و قدرت و ثروت خود است و نمیتوانند دست روی دست

بگذارند.

از سوی دیگر جناح اصولگرا که امروز سه قوه را در دست گرفته تلاش میکند با اعمال فشار، با گروکشی، و با تهدید و تطمیع و انواع اهرم‌هایی که در دست دارد جناح رقیب را به تمکین وادارد. این اتفاق نخواهد افتاد چون یک اجماع و خط واحد سیاسی در مورد اینکه چطور نظامشان را باید حفظ کنند وجود ندارد. خیلی از حکومتی‌ها بروشنی فعال‌مآیشائی خامنه‌ای را باعث مرگ حکومت می‌دانند و از این نظر درست می‌گویند. از سوی دیگر هر نوع مانوری که بخواهد تخفیفی به خط استحاله بدهد و حتی ظاهر اصلاح‌طلبانه به خود بگیرد هم میتواند به تشدید و گسترش موج سرنگونی طلبی که نمونه‌هایی از آنرا در انتخابات شاهد بودیم، منجر بشود. از این نظر هم اصولگرایان درست می‌گویند. این یک وضعیت باخت باخت برای حکومت است. این یک نمود مشخص بن‌بست استراتژیکی است که ما همیشه بر آن تاکید کرده‌ایم. هر دو جناح برای حفظ نظام خودشان مبارزه میکنند و هر دو، تا آنجائی که در مورد خط و سیاست جناح مقابل هشدار میدهند، درست

میگویند ولی راه حل اثباتی خودشان هم نمیتواند از سقوط محتوم حکومتشان جلوگیری کند. به همین خاطر حکومت با یک بن بست و تناقض پایه ای روبرو است. این تناقض تنها میتواند با سرنگونی حکومت حل شود.

خلیل کیوان: جناح اصلاح طلب نقش ضربه گیر را برای حکومت ایفا میکرد. اکنون هیچ حائلی بین حکومت و مردم نیست. رابطه رژیم و مردم چه شکلی به خود خواهد گرفت؟

حمید تقوایی: من قبلا هم گفته ام که مشکل اصلی حکومت رابطه جناح ها با یکدیگر نیست، بلکه رابطه کل حکومت با مردم است. ریشه تمام این بحرانها، کشمکشهای جناحی، اینکه مجبور میشوند چنین انتخابات مفتضح و رسوائی را سرهم بندی کنند، اینکه مجبور می شوند یک قاتل کاملا رسوا و شناخته شده را در راس دولتشان نصب کنند، همه اینها به خاطر این است که رژیم در مقابل یک موج عظیم مخالفت، اعتراضات و اعتصابات و سرنگونی طلبی قرار گرفته

است. از مدتها قبل از انتخابات وضعیت همین بود. خیزشهای ۹۶ و ۹۸ به اندازه کافی این هشدار را به حکومت داد و به همه، از هر دو جناح، فهماند که دیگر هیچ نوع مشروعیت و نفوذی در میان هیچ بخشی از جامعه ندارند. غیر از یک اقلیت کوچکی از اعوان و انصار خود حکومتی ها که منافع مستقیمی در بساط دزدی و چپاول دارند بقیه جامعه، نود و نه درصد جامعه - چه فعالین و چه کسانی که فعال نیستند - عمیقا خواهان این است که این حکومت ساقط شود. این را حکومتی ها هم به خوبی میدانند.

عامل اصلی و تعیین کننده در وضعیت سیاسی ایران همین رابطه آنتاگونیستی جامعه با حکومت است. بخصوص در این دوره انتخابات شاهد بودیم که چطور توده مردم صریح و بی پرده در خیابانها، در تریبون های آزاد، در فضای مجازی و در مراکز کارگری اعلام کردند این انتخابات ما نیست، رای بی رای، رای ما سرنگونی است و علنا علیه کل حکومت با اسم و رسم صحبت کردند و این حرکت هنوز ادامه دارد. جنبش سرنگونی با انتخابات عروج کرد و در یک قامت تعرضی تر و

کوبنده تر از گذشته به میدان آمد. این غول را دوباره نمی شود در شیشه کرد.

به نظر من انتخابات فصل جدیدی را در حیات سیاسی جامعه و موقعیت جمهوری اسلامی آغاز میکند، فصل سرنگونی طلبی صریح و شفاف نه فقط در سطح جنبشها و اعتراضات خیابانی بلکه در میان چهره ها و سلبریتی ها و اکتیویستها و نهادهای و انجمن ها و کمیته های اعتراضی شناخته شده و با اسم و رسم. امروز سرنگونی به گفتمان عمومی جامعه تبدیل شده است. این فصل تازه ای در جنبش سرنگونی و در مقابله مردم با حکومت است و از همین رو باید منتظر بود که بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی رژیم و کشمکشهای جناحی شدید تر و وضعیت کل حکومت وخیم تر شود.

خلیل کیوان: جمهوری اسلامی با انتخاب رئیسی چه پیامی به خارج از ایران میدهد؟ رئیسی بخاطر جنایاتی که مرتکب شده است از سوی برخی از دولت ها تحریم شده است. امنستی خواهان رسیدگی به جنایاتی است که رئیسی مرتکب شده است. روزنامه ها و رسانه های

خبری در کشورهای مختلف از او به عنوان یک قاتل اسم میبرند. صحبت های داغی در زمینه حقوقی و پیگرد رئیسی مطرح است. حقوقدانها بر این تاکید دارند که امکان پیگرد و دستگیری و محاکمه رئیسی وجود دارد. با این اوصاف رابطه رژیم با غرب به چه سمتی میرود؟ آیا امکان توافق بر سر برجام دوم بیشتر شده است و یا کمتر؟

حمید تقوایی: در رابطه با غرب، هر رئیس جمهوری سر کار باشد، بالاخره حرف آخر را خامنه ای میزند. ولی این بار فرق قضیه اینست که آن ویتترین و آن ظاهر و در واقع بهانه ای که به دول غربی اجازه میداد رابطه شان را با رژیم توجیه کنند کاملاً به کنار رفته است. این بار یک آدمکش رسوا با جنایات محرز و غیر قابل توجیه، و همچنین یک مهره تماماً پیرو خط خامنه ای که با غرب ستیزی و مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل و غیره تداعی میشود، رئیس جمهور شده است. این امر از هر دو نظر برقراری رابطه دولتهای غربی با رژیم را بمراتب مشکل تر از گذشته میکند.

همانطور که اشاره کردید بسیاری از رسانه های غربی که اکثرا تا دیروز سیاست محتاطانه ای در رابطه با جمهوری اسلامی داشتند و یا به جناح اصلاح طلب متمایل بودند، امروز از نه مردم ایران در انتخابات اخیر گزارش میدهند و از این صحبت میکنند که یک عضو هیات مرگ در سال ۶۷ و عضو شورای امنیت و رئیس قوه قضائیه در زمان شلیک به هواپیمای اوکراینی رئیس جمهور شده است و ایشان باید تحت پیگرد قرار بگیرد. اینها دیگر صرفا گفتمان احزاب رادیکال اپوزیسیون نظیر حزب ما نیست، بلکه موضع رسانه هائی است که تا دیروز مداخلات جویانه به رژیم برخورد میکردند. آش آنقدر شور است که دیگر کسی نمیتواند چشمش را ببندد و جمهوری اسلامی را حکومتی عادی و متعارف جلوه دهد. رئیس جمهوری که از هر انگشتش خون میچکد را نمیشود با هیچ توجیهی مشروع و قابل پذیرش جلوه داد. به این دلایل به نظر من پیشرفت مذاکرات جاری بین حکومت و دولتهای غربی بسیار سخت تر از گذشته خواهد شد.

اما بحث بر سر فقط رابطه دولتها با جمهوری اسلامی

نیست. به نظر من در خارج کشور افکار عمومی، جنبشها و نیروهای مترقی، و اتحادیه های کارگری که همیشه به نحوی از مبارزات مردم ایران حمایت میکردند و علیه جمهوری اسلامی افشاگری میکردند، اینها بسیار فعال تر و تعرضی تر به میدان خواهند آمد و این فشار از پائین کار دولتهای غربی برای رسیدن به هر نوع توافقی با جمهوری اسلامی را بسیار مشکل خواهد کرد. مجموعه این شرایط به معنی رسوائی و انزوای هر چه بیشتر جمهوری اسلامی در سطح جهانی است.

خلیل کیوان: در طی انتخابات، صفوف جنبش سرنگونی گسترده تر شد. اپوزیسیون با احزاب و سازمانها و گروههای مختلف یک شعار و یک حرف را تکرار می کردند: سرنگونی! بعد از انتخاب رئیسی صحبت دولت در سایه و تشکیل پارلمان براندازی در خارج کشور و اتحاد اپوزیسیون حول چنین طرحهایی مطرح میشود. نظر شما در این مورد چیست؟ نیروهای اپوزیسیون در این دوره چطور میتوانند نقش موثری در تقویت مبارزات مردم ایفا کنند؟

حمید تقوایی: ابتدا این را بگوییم که طرح هائی که اشاره کردید تازه نیست. همیشه بخشی از اپوزیسیون راست که میخواستند به نحوی آلترناتیو سازی کند و توجه دولتهای غربی را به خود جلب کند بدنبال چنین طرح هائی بوده است. شورای گذار و دولت در تبعید و امثالهم از این زمره اند. به نظر من این نوع سناریوها که معماری قدرت از بالای سر مردم را دنبال میکنند راه به جایی نمی برد. کما اینکه تا بحال هم بجایی نرسیده. اما اگر کسی واقعا میخواهد برای کمک به جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران دولتهای غربی را متقاعد کند که در برابر جمهوری اسلامی بایستند و رابطه شان را با آن قطع کنند راهش اتکا به خیابان است. راهش تمرکز بر نیروهای مترقی، افکار عمومی و جنبش میدانی در داخل کشور و در خارج کشور و از این طریق اعمال فشار بر دولتها است. این نیروها هر چه بیشتر علیه جمهوری اسلامی بسیج شوند فشار بر دولتهای غربی برای فاصله گرفتن از جمهوری اسلامی و بایکوت آن بیشتر خواهد شد. تنها از این طریق میشود دولتهای غربی را مجبور کرد موضع قاطع تر و تعرضی تری در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کنند.

ببینید موضوع این نیست که دولتهای غربی گویا چون اپوزیسیون متحد نیست و شکل آلترناتیو مشخصی مثل دولت در تبعید و یا پارلمان سرنگونی وغیره به خود نگرفته است، علیه جمهوری اسلامی موضع نمیگیرند! این در بهترین حالت تصور ساده لوحانه ای است. منافع سیاسی و اقتصادی و ژئوپلیتیکی دولتهای غربی ایجاب می کند رابطه شان با جمهوری اسلامی را ادامه بدهند. این دولتها فعلا سرنگونی جمهوری اسلامی را به نفع خودشان نمی بینند. باید کاری کرد که همه بفهمند و نشان داده شود جمهوری اسلامی رفتنی است و نباید روی این اسب بازنده شرط بندی کرد. این را باید به دولتها فهماند. چطور میشود این کار را کرد؟ باید به دولتهای غربی فهماند که با ادامه رابطه با رژیم در حال سقوط در ایران، موقعیت شان در کشورهای متبوع خودشان بزیر سؤال خواهد رفت. باید به آنها نشان داد که برای ادامه رابطه با رژیم فاسد و جنایتکاری مثل جمهوری اسلامی باید بهای گزافی بپردازند. این امر را فقط با فشار اعتراضات خیابانی و از پائین میتوان به دولتها تحمیل کرد.

خلیل کیوان: یعنی مشخصا چه باید کرد؟

حمید تقوایی: بحث بر سر به راه انداختن یک جنبش اعتراضی وسیع است در داخل ایران و در خارج ایران برای منزوی کردن و طرد جهانی جمهوری اسلامی. ما مدتهاست این سیاست را مطرح کرده ایم و پیگیرانه دنبال میکنیم. در مصاحبه قبلی با خود شما تحت عنوان "از انتخابات تا بایکوت" جوانب مختلف این سیاست را توضیح دادم و خواننده علاقمند میتوانند به آن مصاحبه رجوع کند.

خلیل کیوان: پرسش آخرم در رابطه با جنبش کارگری و جایگاه و نقش آن است. الان، تنها چند روز بعد از انتخابات، دور تازه ای از اعتصاب کارگران نفت آغاز شده. بیش از چهل مرکز کارگری وابسته به صنایع نفتی فراخوان اعتصاب سراسری داده اند. در واقع جنبش کارگری با گسترش اعتصابات به استقبال رئیسی رفته است. تاثیر این اعتصاب در فضای سیاسی جامعه چیست؟ کلا جنبش کارگری در این دوره چه جایگاه و

نقشی در فضای امروز ایران دارد؟

حمید تقوایی: همانطور که گفتید کارگران صنعت نفت با اعتصاب سراسری به استقبال رئیسی رفته اند. این البته امر تازه ای نیست. میدانید که جنبش کارگری مدتهاست که نقش مهم و جایگاه تعیین کننده ای در مبارزات مردم پیدا کرده است. خیزشهای ۹۶ و ۹۸ بر دوش جنبش کارگری شکل گرفت. اعتصابات هفت تپه، هپکو، فولاد اهواز و کارگران مراکز دیگر از همان دوره شروع شده بود. و از همان دوره بود که جنبش کارگری در واقع جامعه را به دنبال خودش به حرکت درآورد. بعد از آن هم باز این جنبش کارگری است که پیگیرانه به پیش میرود و گسترده تر و تعرضی تر میشود. به خصوص پیوستن کارگران نفت - که نقش کلیدی ای در اقتصاد و حتی در سیاست و در مقابله با حکومت در ایران دارند - به اعتصابات یک تحول کیفی در خود جنبش کارگری و در کل جامعه است. امروز این بخش است که هنوز دوره رئیس جمهوری آیت الله قاتل شروع نشده اعلام اعتصاب سراسری میکند، کارگران شورای هماهنگی اعتراضات درست میکنند و در بیش از ۴۰

مرکز وابسته به صنایع نفتی به میدان می آیند.

در کنار این، نقش هفت تپه و جایگاه و تاثیرات هفت تپه در فضای اعتراضی را هم شاهد هستیم. هفت تپه که در همین دوره انتخابات، پیروزی خلع ید را جشن گرفت، مدتهاست که اداره شورائی را مطرح کرده است و در جشن پیروزی خود دوباره اعلام کرد که بعد از خلع ید دارودسته کارفرمای دزد و فاسد هفت تپه به چیزی کمتر از اداره و یا نظارت شورای کارگران بر تولید رضایت نخواهد داد. این گفتمان در جامعه عمومیت پیدا کرده است و حتی چهره هائی از اپوزیسیون راست از هفت تپه به عنوان آلترناتیو نام میبرند.

از طرف دیگر می بینیم که کارگران صنعت نفت و همچنین هفت تپه و بخشهای مختلف کارگری که دست به اعتصاب میزنند صرفا مطالبات صنفی خود را مطرح نمیکنند بلکه سیاستهای کلان اقتصادی جمهوری اسلامی، مثل قطع دست پیمانکاران و مقاطعه کاران، مثل انحلال مناطق ویژه اقتصادی و کلا سیاست خصوصی و یا خصولتی سازی که دار و دسته های مافیائی نیمه

دولتی نیمه خصوصی را بر مراکز تولیدی حاکم کرده و فساد و چپاولی که زیر این چتر در جریان است را بزیر سؤال میبرند. کلا در مقابله با فساد و پرونده سازی های امنیتی و بگیر و ببندها و دستگیریها و در جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی نیز جنبش کارگری و فعالین و چهره های این جنبش فعال هستند و در صف مقدم مبارزه قرار دارند. اینها بندهائی است که جنبش کارگری را به جنبش سرنگونی وصل میکند.

در دوره پیش رو بیش از پیش جنبش کارگری نقشی اساسی پیدا خواهد کرد و بیش از پیش جایگاه مهمی در تحولات سیاسی جامعه و به چالش کشیدن جمهوری اسلامی خواهد یافت. این امر چشم انداز نوید بخش و امیدوار کننده ای را در برابر کل جامعه قرار میدهد.

۲۳ ژوئن ۲۱

وب سایت:
www.wpiran.org

تقاضای عضویت و همکاری، ارسال پیام و
گزارش از طریق:

پیامگیر تلگرام: [@wpi_tamas](https://t.me/wpi_tamas)

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

سیگنال، واتساپ و تلگرام

اینستاگرام